

ویژگیهای قیام ۱۵ خرداد

در قیام ۱۵ خرداد، برای نخستین بار در تاریخ پرفراز و نشیب ملت ایران، مرجعیت اسلامی مستقیماً و بدون واسطه، رهبری و بسیج مستمر و بی وقفه توده‌ها را بر عهده گرفت و ولایت فقیه را تحقق عینی بخشید.

محمّد «عج» پایانی نیست.

ویژگیهای قیام تاریخی ۱۵ خرداد

۱ - اسلامی بودن نهضت:

آن‌مان که حادثه ۱۵ خرداد را به یاد دارند، فراموش نکرده‌اند که این حادثه در چه جوی به وقوع پیوست. درست در اوج اصلاحات ذروغین شاه خائن بود که همه سرها را در گریبان‌ها فرو برده بود و در همان حال که اختناق فراگیر بر ایران سایه افکنده بود، گروه زیادی از دهقانان و کارگران این مرز و بوم را تا حدودی با وعده‌ها و سیاه‌بازی‌ها فریفته بود و در مجموع کمتر کسی از نقشه‌های پشت پرده دشمنان آگاه بود.

در این جو خفقان‌زا که رهبرانی فلاّبی به شیوه‌ای سیاستمدارانه تنها خود را می‌خواستند مطرح کنند و اگر شعاری بلند می‌شد بیشتر در رابطه با مسائل اقتصادی بود، و جوانان خون‌گرم در یک حالت سردرگمی به سر می‌بردند، ناگهان ندای ملکوتی امام از آن سوی قم بلند شد و با تشریح نقشه خائنان شاه، مردم را هشدار داد، و آنچه

پانزدهم خرداد نقطه عطف عظیمی در مبارزات و مجاهدات مستمر و طولانی ملت محروم و زجرکشیده ایران اسلامی است. نقطه عطفی که خواص و عوام، دوستان و دشمنان، به اهمیت آن اذعان و اعتراف دارند و کسی را یارای آن نیست که عظمت و شرفی این یوم الله را زیر پا گذاشته یا از آن چشم ببوشد.

پانزدهم خرداد و حوادث دیگری که در پی آن رخ داد بوضوح دلالت بر این داشت که نهضتی اسلامی و عظیم و متکی بر مردم مستعدیده در حال شکل گرفتن است و چون تنها ایده و انگیزه‌ای که این حوادث خونبار را در این نقطه شهیدپرور پدید آورده بود، کسب رضای خدا بود و جز او نظری نبود، از این روی خواه ناخواه، پیروزی و نصرت ملت مسلمان را در پی داشت و چنین شد. درست در روز ۲۲ بهمن، این نهضت بارور شد و ثمره آن همه مبارزات خداخواهانه از درخت ریشه دار انقلاب اسلامی چیده شد و هنوز هم می‌رود که با جوش خدائی و به یاری پروردگار توانا، جهانی بازم برتر و افزونتر را در پی داشته باشد. وی گمان گرم نگهداشتن جنبه‌های نبرد با دشمن صبیونسی یعنی، از پیامدهای همان حادثه تاریخی است که امید است با فتحی شایان پایان پذیرد، گرچه نبرد با دشمنان را تا قیام قائم آل



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دارا هستند. و بدون شک خون سرخ آنان بود که روی اسفالتها و خیابانهای تهران، ورامین، قم و ... ریخته شد و با نوشته شدن شعار «لا اله الا الله» و «یامرگ باخمنی» دیگران را از خواب بیدار کرد و انقلاب را برای همیشه بیمه نمود.

آنان که نهضت‌های پیش از ۱۵ خرداد را به یاد دارند یا در تاریخ خوانده‌اند، آگاهند که در آنها هرگز «الله اکبر» و «لا اله الا الله» شعار اصلی نبود. و معمولاً چهره‌هائی سیاستمدار خود را رهبر اصلی نهضت‌ها معرفی می‌کردند و روحانیون از آنان تا حدودی دفاع و پشتیبانی می‌نمودند مانند نهضت مشروطه و نهضت ملی شدن نفت.

ولی در ۱۵ خرداد، برای نخستین بار در تاریخ پرفراز و نشیب ملت ایران، مرجعیت اسلامی مستقیماً و بدون واسطه، رهبری و سیج مستمر

پشت پرده می‌گذشت. برملا ساخت. امام از توطئه‌ای خطرناک که مذهب آنان را هدف قرار داده بود پرده برداشت و از مردم خواست قیام و اقدام کنند و تا دیر نشده است به یاری اسلام بشتابند و گرنه همه ارزشهای والایی انسانی و اسلامی آنان را با طرحهایی رنگین بریاد خواهند داد.

امام مردم را دعوت به قیامی صددرصد اسلامی کرد و چارچوب قیام را نیز نشان داد. گروهی از مخلصان و متعهدان در روز ۱۵ خرداد - که خبر دستگیری امام را شنیده بودند - قیام خونین خویش را آغاز کردند و در این راه بی‌محابا جان باختند و با شهادت خود ندای امام خود را پیش از همه، لبیک گفتند. درود خدا بر آنان باد که برترین و والاترین مقام را در میان شهدای انقلاب اسلامی

آنچه از گلوله نافذتر و برنده‌تر و از تانک و توپ قوی‌تر و کوبنده‌تر بود، استقامت و پایداری مظلومان ایران بود که به ما استراتژی خون در مقابل شمشیر و مشت در مقابل تانک و سینه در برابر توپ را آموخت.

گلوله پیروز نمود.

آری! آنچه از گلوله نافذتر و برنده‌تر و از تانک و توپ و هواپیما قوی‌تر و کوبنده‌تر بود استقامت و پایداری مظلومان ایران بود که به ما استراتژی خون در مقابل شمشیر و مشت در مقابل تانک و سینه در برابر توپ را آموخت و به ما یاد داد که در نهایت، خون شهید برنده‌ترین سلاح تاریخ است.

این سلاح مظلومیت مردم پیاخته‌ایست ایران بود که انقلاب در قلوب و دلها بوجود آورد و دعای «یا مقلب القلوب و الأبصار» را به اجابت رساند.

امپریالیسم با زبانی جز گلوله آشنائی نداشت و به چیزی جز نابودی ظاهری افراد نمی‌اندیشید، بگمان اینکه گلوله مردم را از پای درمی‌آورد، ولی چه اندیشه باطلی! گلوله، ایمان را نمی‌توانست از مردم بگیرد و استقامت را از آنان سلب کند. و لذا خون بر شمشیر پیروز شد و برای همیشه پیروزی آفرید.

لازم به تذکر است که این سیاست در آن زمان لازم الاجرا بود چرا که اوتش که خود جزئی از مردم بود. با مردم می‌جنگید و امام می‌خواست آنها را به انسانیت خویش باز گرداند تا در برابر مردم مقاومت نکنند و به نفع بیگانگان بر روی هموطنان خویش آتش نگشایند ولی همیشه و در همه جا چنین برنامه‌ای اجرا نمی‌شود و آنچه گفته شد نه به معنای نفی ضرورت استفاده از سلاح و جنگ مسلحانه در خدمت به انقلاب است بلکه تأکیدی بر این نکته است که در جریان رشد و نمو انقلاب اسلامی، جنگ مسلحانه و سلاح، رکن و وزنه اصلی انقلاب را تشکیل نمی‌دهد و لذا خود شاهد بودیم که در روزهای گرم پیروزی (از ۱۹ تا ۲۳ بهمن ۵۷) مبارزه مسلحانه به جهت گشودن آخرین دزهای کفر و استبداد در گرفت و مسلسل‌ها این دزها را گشودند.

و از آن گذشته در موقعی که انقلاب اسلامی از سوی دشمنان

و بی‌وقفه توده‌ها را بر عهده گرفت و ولایت فقیه را تحقق عینی بخشید.

در ۱۵ خرداد شعارهایی که از حنجره‌های دردمند مردم بلند می‌شد، صرفاً اسلامی و مذهبی بود و اساساً حرکت ۱۵ خرداد به خاطر توهین به اسلام و رهبری اسلام که از همه طرف مورد هجوم قرار گرفته بود بر پا شد و اگر این نهضت خداجویانه مردم در آن روز با آن وسعت پا نمی‌گرفت، رژیم خونخوار جرأت بیشتری به خود نشان می‌داد و اساس اسلام را در کشور امام زمان از بین می‌برد. و از این روی، آن مبارزان که بیشترشان به افتخار شهادت نائل آمدند، جایگاهی والا تر و مقامی مقدس‌تر در انقلاب اسلامی دارند.

۲- مردمی بودن نهضت:

۱۵ خرداد ۴۲ قیامی عمیقاً مردمی بود و تکیه گاهی جز مردم رنج‌دیده‌ای که از امام و سرور خود اطاعت کرده و برای خدا جانفشانی می‌کردند نداشت.

۱۵ خرداد با آن اصالت مردمی، به نیروی لایزال پروردگار پیشگرم بود و اصالت آن در خروش عاشقانه‌ای بود که خود را نمی‌دیدند و جز خدا معبودی برای خود نمی‌پذیرفتند و لذا عاشقانه و عارفانه در راه رضای معبود، به ندای رهبر دلسوزشان پاسخ دادند، و با آن قیام مقدس بی‌گمان رضای خدا را بدست آورده و به لقاءش نائل آمدند. و ایشان نه چهره‌های سیاسی محض بودند و نه برای هواهای نفسانی و مادی قیام کرده بودند بلکه همین مردم پاکدل کوچک و بازار بودند که یکصد و یکتنوا دعوت الهی را پاسخ مثبت دادند و بهمین دلیل رژیم سخت بوحشت افتاده بود، چون با چنین مردمی که انگیزه الهی دارند نمی‌توان سازش کرد و لذا چاره‌ای جز گلوله باران مردم نداشت و مگر این چاره کار بود؟ همین گلوله‌ها بود که انقلاب را رونق داد و همین خونهای پاک بود که تولید مثل کرد و خون را بر



**۱۵ خرداد با آن اصالت مردمی به نیروی لایزال پروردگار پشتگرم
بود و اصالت آن درخروش عاشقانی بود که خود را نمی دیدند و جز خدا
معبودی برای خود نمی پذیرفتند...**

که این خود بخشی مفصل است و برای ملت بزرگوارما که در این سالهای جنگ و دفاع مقدس، آنرا عملاً و با کمال شهامت و شجاعت به ثبت رسانده اند، روشن و بی ابهام می باشد و جای

اسلام مورد حمله و هجوم نظامی قرار می گیرد، به حکم قرآن و اسلام واجب است بر تمام مسلمانان که از آن دفاع کنند و تا رسیدن به پیروزی از پای ننشینند «وفاثلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الدين لله»



هیچگونه تردیدی در ضرورت قتال و کارزار و تهیه مقدمات آن در بهترین وجه نمی باشد «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدوا لله وعدوكم».

۳- رهبری نهضت:

مسئله مهمتی که در رابطه با نهضت ۱۵ خرداد مطرح است، شهامت رهبر عظیم الشان انقلاب در اجرا و بیان وظایف شرعی مردم در قیام و مبارزه علیه ظلم و کفر می باشد که امام هرگز از بیان آنها حتی در میان روشنفکرانهای جامعه نیز ابائی نداشت و تکلیف شرعی را بیان می نمود و به آن روشنفکر مآبائی که در اندیشه های کوتاه و محقر خود جوانب مثبت و منفی مبارزه را بررسی می کردند و صلاح در سازش و سکوت یا سیاستکاری و رفتاری لیبرالیستانه با قضایا می دیدند، می آموخت که: «ما تصمیمی برای پیروزی انقلاب به کسی نداده ایم. ماهه حکم عقیده و وظیفه شرعی موظف به مبارزه با شاه هستیم، چه شکست بخوریم و چه پیروز شویم. برای ما نفس مبارزه با

طاغوت و دشمن خدا مطرح است...»

آری! امام برای نخستین بار صرفاً بخاطر احیای قرآن و حفظ قرآن عمل می کند و بقیه مسائل را فرعی می داند و در این راه از هیچ مارک و برچسبی که دشمن می زند، ابائی ندارد چرا که ارتجاع و واپس گرایی را در مخالفت حکم خدا می داند نه در اجرای آن.

در این نهضت مقدس، چه رهبر وجه دیگر دلاورانی که برای حفظ قرآن و اسلام قیام کردند و جان باختند، نه تنها از جان خود که از حیثیت و شخصیت اجتماعی خود نیز در راه هدف گذشتند در حالی که هنوز ما امثال ما حتی اگر هم حاضر باشیم از جان خود ماهه بگذاریم، حاضر نیستیم از شخصیت، حیثیت و آبروی خود بگذریم که این بزرگترین و مهمترین گذشت است و برادران عزیز ما در آن دوران اختناق و خفقان شاهنشاهی از شخصیت و آبروی خود نیز گذشتند و غربانه به شهادت رسیدند. وما هر چه داریم از این رهبر عظیم و آن دلاوران خداجوی داریم.

تکلیف شرعی

ملت مسلمان

افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات علماء و فضلاء کرام و برادران مسلمانان ما دست ترفیقاً تم کتب نورانیہ و فتاویٰ معتدله و کتب معتدله و کتب معتدله و کتب معتدله
در این شرایطی که استعمارگران شرق و غرب علیه اسلام و نهضت جهان مسلمین توطئه‌ها و توطئه‌ها را در افغانستان آغاز کرده‌اند
و قصد توطئه جدید و مسلح سیاسی می‌باشند بر هر گروه و احزاب و سازمانهای اسلام افغانستان و ولایت و ولایت
که از اختلافات گروهی و درگیریهای داخلی بهره‌برداری می‌کنند تا در این کشور را در آتش و خونریزی و درگیری
میدانی و خونریزی مبتدی مملکت میگرداند و در این راه با گروهی که عالمی و عالمی و عالمی و عالمی و عالمی و عالمی
۱. افغانستان که متوجه نمایند تا تکلیف شرعی ملت مسلمانان افغانستان در برابر ملت با آنان تعیین گردد.

حضرات علماء و فضلاء کرام و برادران مسلمانان ما دست ترفیقاً تم کتب نورانیہ و فتاویٰ معتدله و کتب معتدله و کتب معتدله
که استعمارگران مشرق و مغرب علیه اسلام و نهضت جهان مسلمین توطئه‌ها و توطئه‌ها را در افغانستان آغاز کرده‌اند
و قصد توطئه جدید و مسلح سیاسی می‌باشند بر هر گروه و احزاب و سازمانهای اسلام افغانستان و ولایت و ولایت
که از اختلافات گروهی و درگیریهای داخلی بهره‌برداری می‌کنند تا در این کشور را در آتش و خونریزی و درگیری
میدانی و خونریزی مبتدی مملکت میگرداند و در این راه با گروهی که عالمی و عالمی و عالمی و عالمی و عالمی و عالمی
۲. افغانستان که متوجه نمایند تا تکلیف شرعی ملت مسلمانان افغانستان در برابر ملت با آنان تعیین گردد.



سوال چند تن از برادران مسلمان افغانی، همچون همیشه بر روی این مسأله مهم و ضروری اسلامی تأکید و تکیه فرموده‌اند که ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد: **بسم الله الرحمن الرحيم**

حضرات علماء و فضلاء کرام و برادران مسلمان افغانی دامت توفیقاتکم بحق محمد وآله و خذل الله عدوکم و عدوالاتهم و المسلمین بنصره و عزه در این شرایط حساس که استعمارگران شرق و غرب علیه اسلام و نهضت جهانی مسلمانان متحد شده‌اند و نسبت به کشور مسلمان افغانستان در صدد توطئه جدید و معامله سیاسی می‌باشند بر همه گروهها و احزاب و سازمانهای اسلامی افغانستان واجب و لازم است که از اختلافات گروهی و درگیریهای داخلی بهره‌بردارند و آتش بس هیئت اعزامی را محترم شمارند و از هر حرکتی که منجر به درگیری و خونریزی مجدد بین مسلمانان میگردد خودداری نمایند و هر فرد یا گروهی که عالمی و عالمی بوحادث کلمه اسلامی و آتش بس فعلی بی‌اعتنایی کند معرفی نمائید تا تکلیف شرعی ملت مسلمان افغانستان و مسؤلان مربوطه نسبت با آنان تعیین گردد.

حضرات علماء و فضلاء کرام و برادران مسلمان اعم از شیعه و سنی بحسبیت مقطع فعلی کشورشان توجه دارند اگر در این مرحله که استعمارگران مشغول معامله سیاسی روی کشور شما می‌باشند گرفتار مسامحه و کوتاهی و تنگ نظری و انحصار طلبی شوید برای همیشه توسط دشمنان اسلام، اسلام و مسلمین در افغانستان شکست خورده و از صحنه خارج می‌شوید باید همه احزاب و گروهها بدور از گرایشهای خاص گروهی و فرقه‌ای و مذهبی بر حول محور اسلام و قرآن یک شکل سیاسی از افراد متدین متعهد عاقل بوجود آورند و نگذارند ملت مسلمان و مظلوم افغانستان گرفتار توطئه استعمارگران و بازیگران سیاسی بشوند و خونهای پاک شهیدان به در رود و تاریخ و نسل آینده شما را محکوم نمایند و خداوند قهار و اولیاء خدا شرمسار باشد. از خدای بزرگ نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و شکست نقشه‌های استعمارگران را خواستارم والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. ۲۴ شعبان ۱۴۰۶ حسین علی منتظری

توجه به مسائل و مشکلات مسلمین با صرف نظر از مرزهای سیاسی و اختلافات نژادی، در جهان بینی اسلامی بعنوان جزئی از وظیفه انسانی اسلامی هر فرد مسلمان تلقی می‌شود و در این رابطه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»

اسلام خواسته است که با طرح این مسأله حساس و ضروری، یک نوع احساس وحدت و همبستگی در میان جامعه جهانی اسلامی بوجود آورده و آنان را در برابر قدرتهای استعمارگر جهانی به «ید واحدة علی من سواهم» تبدیل سازد تا در این راستا مسلمین به «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه» در تمام زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی. عینیت و تحقق خارجی بخشد.

در این رابطه هر گاه که مسلمین، در نقطه‌ای از سرزمینهای اسلامی باین وظیفه خطیر اسلامی خویش آگاهی یافته و شروع به انجام و همبستگی نموده‌اند، استعمار با احساس خطر جدی از این وحدت اسلامی وارد عمل گردیده و بین آنان با تشکیل احزاب و گروه‌های مختلف و با ایسم‌های گوناگون فاصله فکری انداخته است، بهمین دلیل پس از جنگ دوم جهانی، بفرموده حضرت امام خمینی مدظله العالی، استعمارگران شرق و غرب، کشور پهناور اسلامی را به مناطق کوچکی تقسیم و هر قسمت آن را بدست یکی از عمال و سرسپردگان خویش سپردند.

امروز که جهان اسلام از هر سو مورد حمله و توطئه مشترک شرق و غرب واقع شده، بیش از هر زمان دیگر نیاز باین وحدت و همبستگی جهانی مسلمین احساس می‌شود، بخصوص اکنون که قدرتهای بزرگ استعماری بمنظور سرکوب انقلاب اسلامی افغانستان، بر سر میز مذاکره و یا معامله نشسته و با بی‌اعتنایی به خواسته‌های اسلامی مردم این سرزمین، به توطئه جدیدی دست زده‌اند.

در این رابطه حضرت آیه الله العظمی منتظری مدظله العالی در پاسخ به